

فصل اول:

# کلیات

## ۱-۱. بیان مسئله:

جهان در ماه های پایانی سال ۲۰۱۰ و ابتدایی ۲۰۱۱ در کشور های عربی شاهد دومینوی سقوط رژیم - های اقتدار گرا بود که سالیان متمادی در سرکوب خواسته های مشروع و حقوق طبیعی بشری مردم تحت حاکمیت خود از هیچ کوششی فرو گذار نکردند. این دومینو که با خود سوزی جوان تونس شروع شد آتش زیر خاکستر خشم مردم ناراضی از حکومت بن علی در تونس را شعله ور کرد و حکومت بن علی سرنگون شد. اتفاقی که به سرعت به اکثر کشورهای عربی هم درد کشور تونس سرایت کرد و باعث سقوط و لرزش رژیم های اقتدار گرای منطقه ی عرب شد .

حسنى مبارك هم از دسته حاکمان اقتدارگرایی بود که پایانی مانند بن علی برای او محتمل می نمود و بالاخره هم با تلاش خستگی ناپذیر مردم رنجور و خسته از استبداد و فقر و بدبختی که دورنمایی جز نا امیدى در ذهن هایشان مجسم نبود رژیم اقتدار گرای حسنى مبارك در هم شکسته شد و به تاریخ پیوست.

حسنى مبارك در اکتبر 1981 به ریاست جمهوری مصر رسید . مبارك 25 سال افسر نیروی هوایی و برای 6 سال معاون رئیس جمهور و فادار سادات بود ، و باشخص سادات و سیاستهای وی پیوند نزدیکی داشت . مبارك در آغاز ، از سبک آشکار پاتریمونیل سادات دوری ورزید . او در صدد حمله به فساد و مصالحه بانبروهای گوناگون اپوزیسیون برآمد. البته اینکار هزینه های خود را نیز داشت که برای شخصی مثل مبارك سنگین جلوه میکرد . آزادی سیاسی هیچ راه حلی را برای مشکلات اقتصادی و اجتماعی بسیار پیچیده و در روی این کشور مطرح نساخت. شکاف فزاینده میان ثروتمندان و تهیدستان، افزایش بسیار در جمعیت شهری ، و فرسایش پایدار استانداردهای زندگی برای طبقات متوسط پایین و کارگر ، زمینه های پیدایش مخالفت بودند. و این ها باعث شد که مبارك به سمت سیاست های ضد مردمی مصر پیش برود بدین ترتیب، پاتریمونیا لیسم سنتی دوباره شیوع پیدا کند. (Akhavi, S. 1975)

در عمل، مبارك بر ارتش، نیروهای امنیتی و حمایت سیاسی و اقتصادی غرب برای ماندن بر سر قدرت متکی بود. سه منبع حمایت او برای مردم مصر پذیرفتنی نبود و در عمل ، او فاقد محبوبیت و مشروعیت مردمی بود.

به گفته بسام تیبی روشنفکر عرب، در جهان عرب از جمله در مصر دولت به معنی همه چیز است و تقریباً همه امکانات را در انحصار خود دارد، در حالی که جامعه معنای ناچیزی دارد. (Tibi, 1984: 224)

پدیده ای که نقش موثری در شکل گیری اعتراضات اخیر داشته، فساد اقتصادی گسترده در میان خانواده مبارک و نخبگان وابسته بوده است در خصوص فساد خانواده مبارک گفته می شود: آنها بین 40 تا 70 میلیارد دلار دارایی داشته و ۳۹ مسئول بلند پایه و تجار نزدیک جمال مبارک هر کدام بیش از یک میلیارد دلار ثروت اندوختند. ثروت اندوزی، ارتش و بهره گیری از رانت های حکومتی از ویژگی های حکومتی حسنی مبارک بود. (Goldston, 2011: 12)

در مصر در دوره ی حکومت مبارک، پیوندهای میان حکومت و کسب و کار و اقتصاد به جای کاهش یافتن، تقویت شد و نسخه مصری سرمایه داری رفقا را پدید آورد که در آن رقابت خفه شد و کار آفرینان دارای ارتباط های نزدیک با رژیم قادر به کسب بیشتر قراردادهای مهم و هنگام لزوم شکستن محدودیتهای قانونی نیز شدند و اصلاحات اقتصادی از جمله خصوصی سازی، سرمایه گذاری های خارجی نه تنها منجر به بهتر شدن وضعیت اقتصادی جامعه نشد که باعث فشار بیشتر به اقتصاد خانواده های با درآمد کم شد. (Owen, R, 2000: 220).

گذشته از ویژگیهای اقتصادی فوق، چالشهای اجتماعی شرایط این کشور را پیچیده ترمی کرد. در سالهای اخیر اکثریت جمعیت این کشور را جوانان تشکیل میدهند و این خود از بارزترین نمونه های این شرایط است که پیامدهای مهمی چون بیکاری و فقر را به همراه داشت و برای حکومت فاسد مصر در دسر های زیادی ایجاد کرد و در نهایت هم آنها حکومت مبارک را ساقط نمودند..

همچنین میزان جرایم به صورت هولناکی افزایش پیدا کرد و به کرامت و آزادی های انسانی به شکل فزاینده ای بی احترامی شد، نظام ارزشی جامعه تا حدود زیادی تغییر پیدا کرد، بیکاری در میان تحصیل کردگان دانشگاهی شکلی روز افزونی به خود گرفت و هیچ توجهی از سوی حکومت به آنها نمی شد.

نظام سیاسی مصر در دوران مبارک را میتوان دموکراسی صوری و کنترل شده تلقی کرد و اقتدارگرایی در این دوران کاملاً تداوم یافت، طوری که حکومت مبارک هر گونه چالش بالقوه را به شدت سرکوب میکرد سرکوب ناآرامی های عمومی، کنترل شدید بر سازمانهای مدنی و دانشگاهی برخورد خشن و سرکوب گرانه با جنبش های

اعتراضی و همچنین بازداشت گسترده اعضای احزابی مثل اخوان المسلمین، وشکنجه و نقض حقوق بشر از جمله اقدامات رژیم مبارک برای کنترل خفقان آور جامعه تحت حکومتش بود.

به طور کلی، می توان در خصوص دولت مبارک ابراز داشت که یک دولت اقتدار گرای بوروکراتیک مبتنی بر اتحاد دولت، ارتش و بخش هایی خاص از بورژوازی بود که پیوندهایی مستقیم با منافع و مؤسسات اقتصادی خارجی ایجاد کرده بودند

ما در این تحقیق بر آنیم تا بتوانیم گوشه هایی از علل فروپاشی رژیم حسنی مبارک را بررسی کنیم و به چرایی و چگونگی این سقوط پی ببریم. در فروپاشی رژیم مبارک دو دسته از عوامل اصلی اولیه و ثانویه نقش ایفا کردند که در نتیجه ی هم پوشانی این عوامل با هم که به عنوان مساله ی تلاقی در نظریه های انقلابی مطرح شده است، فروپاشی رژیم حسنی مبارک را ممکن نمود. و نیز استفاده از نظریه سرمایه روانشناختی مثبت گراما را در درک این مطلب یاری مینماید که مردم مصر تحت چه شرایط روانی آمادگی برای انجام این تغییر مهم در سطح جامعه ی خود را پیدا کردند. عوامل داخلی و خارجی دخیل در واقعه که مورد بررسی قرار خواهد گرفت تحت چهار عنوان زیر صورت بندی خواهند شد:

۱. شرایط اقتصادی و معیشتی نامناسب مردم و ناتوانی رژیم مبارک در بهبود وضعیت در مدت سی سال حکومت

۲. تشدید اقتدار گرایی در ساختار قدرت و فساد روز افزون طبقه ی حاکم

۳. عملکرد شبکه های اجتماعی آنلاین و شبکه های تلویزیونی در بازتاب وقایع و بسیج مردم برای حضور در صحنه مبارزه علیه رژیم حسنی مبارک

## ۲-۱. سوال تحقیق

علل و عوامل فروپاشی رژیم حسنی مبارک در مصر چه بوده است؟

## ۳-۱. فرضیه

دیدگاه و ذهنیت منفی مردم نسبت به حکومت مبارک عامل اصلی بود و شبکه های اجتماعی عامل تشدید کننده بود که موجب بروز اعتراضات مردمی و فروپاشی رژیم مبارک شد.

#### ۴-۱. متغیرها

متغیر مستقل: دیدگاه و ذهنیت منفی مردم نسبت به حکومت

متغیر وابسته: فروپاشی رژیم مبارک

متغیر میانجی: شبکه های اجتماعی

#### ۵-۱. تعریف مفاهیم:

##### ۱-۵-۱. سرمایه روانی یا روانشناختی<sup>۱</sup>:

یعنی تکیه بر متغیرهای روانشناختی مثبتی که منجر به ارتقای ارزش سرمایه انسانی (دانش و مهارتهای افراد) و سرمایه اجتماعی (شبکه روابط میان آنها) در سازمان و جامعه می شود (Avey, B. et al, 2006:13,2).

این متغیرها، عبارتند از :

خود-کارآمدی<sup>۲</sup> :

امیدواری<sup>۳</sup> :

خوشبینی<sup>۴</sup> :

تاب آوری<sup>۵</sup> :

##### ۲-۵-۱. شاخص فلاکت<sup>۶</sup> :

یک نشانگر اقتصادی است که توسط اقتصاددان آرتور اکان تبیین شده است و از افزودن نرخ بیکاری به نرخ تورم

بدست می آید. باور بر این است که تورم فزاینده در کنار بیکاری رو به افزایش برای یک کشور، هزینه های

---

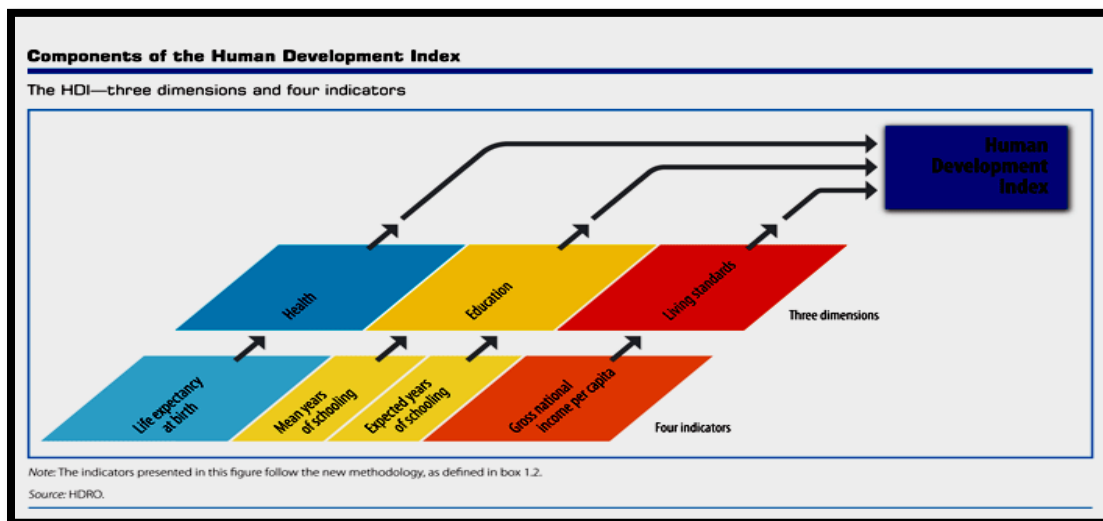
1. psychological capital  
2. self-efficacy  
3. hope  
4. optimism  
5. resiliency  
6. Misery index

اقتصادی و اجتماعی در بر خواهد داشت برخی اقتصاد دانان عقیده دارند شاخص فلاکت دارای رابطه مستقیمی با جرم و جنایت در جامعه است و روند تغییر این شاخص با فاصله حدود یک سال در شاخص جرم و جنایت تاثیر می‌گذارد. ( khabaronline.ir )

۳-۵-۱. شاخص توسعه انسانی<sup>۱</sup> (HDI) شاخص توسعه انسانی یک شاخص ترکیبی است و از ۴ شاخص امید به زندگی در هنگام تولد، درآمد سرانه کشور، میانگین تعداد سال‌های تحصیل کشور و سال‌های تحصیل کشور و امید به زندگی تشکیل می‌شود؛ که به ترتیب معیارهای سلامت، سطح زندگی و آموزش را تشکیل می‌دهند. از سال ۱۹۹۰، هر ساله گزارشی با نام گزارش توسعه انسانی توسط برنامه توسعه سازمان ملل متحد منتشر می‌شود و در آن کشورها در شاخص‌های مختلفی مانند شاخص‌های آموزشی، بهداشتی، اقتصادی، اجتماعی، محیط زیستی، سیاسی و... مورد مقایسه قرار می‌گیرند. در اولین گزارش توسعه انسانی در سال ۱۹۹۰ آمده است: مردم، یعنی مردان و زنان، ثروت واقعی هر ملتی را تشکیل می‌دهند. هدف توسعه، خلق شرایطی است که مردم بتوانند در آن از عمر طولانی و زندگی سالم و سازنده‌ای بهره‌مند شوند. در گزارش توسعه انسانی، کشورها را بر اساس میزان شاخص توسعه انسانی به گروه‌های کشورهای با توسعه انسانی بسیار زیاد، کشورهای با توسعه انسانی زیاد، کشورهای با توسعه انسانی متوسط و کشورهای با توسعه انسانی کم تقسیم می‌کنند. (hdr.undp,2011)

---

1. Human Development Index



شکل ۱-۱، منبع: HDI PLAN(undp,2011)

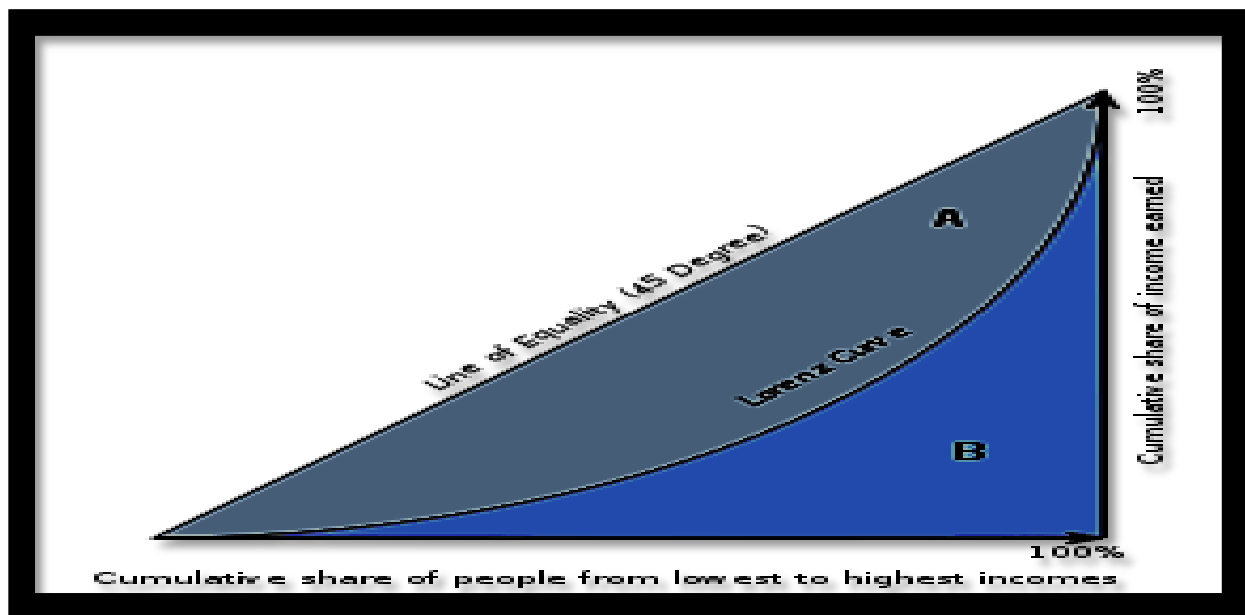
#### ۴-۵-۱. ضریب جینی<sup>۱</sup>

شاخص جینی یا ضریب جینی شاخصی اقتصادی برای محاسبهٔ توزیع ثروت در میان مردم است. بالا بودن این ضریب در یک کشور معمولاً به عنوان شاخصی از بالا بودن اختلاف طبقاتی در این کشور در نظر گرفته می‌شود

ضریب جینی معمولاً اساس تعریف ریاضی منحنی لورنز مشخص می‌شود که محور  $Y$  نسبت درآمد کل جمعیت است و محور  $X$  درآمد تجمعی جمعیت است. (نگاه کنید به نمودار) بنابراین خط ۴۵ درجه توزیع برابری کامل درآمدها را نشان می‌دهد. می‌توان در نظر گرفت که ضریب جینی نسبت مساحت بین خط برابری و منحنی لورنز (منطقه  $A$  در شکل) و مساحت کل زیر خط برابری (منطقه  $A$ ،  $B$  در شکل) باشد.

یک ضریب جینی پایین نشان دهنده توزیع برابری بیشتر است و ۰ توزیع برابری کامل است، در حالی که ضریب جینی بالاتر نشان دهنده توزیع نابرابری بیشتر است و ۱ توزیع نابرابری کامل است.

شاخص جینی تفسیری آسان دارد.. شاخص جینی چگونگی تغییرات در آمدی بین فقیر و ثروتمند را نشان می دهد. اگر شاخص جینی به خوبی تولید ناخالص داخلی در حال افزایش باشد، نمی توان فقر را برای اکثریت مردم بهبود بخشید. (World Bank data,2011)



شکل ۲-۱: منحنی لورنز

## ۶-۵-۱. تولید ناخالص داخلی GDP

تولید ناخالص داخلی یا GDP یکی از مقیاس های اندازه اقتصاد است. تولید ناخالص داخلی در برگیرنده ارزش مجموع کالاها و خدماتی است که طی یک دوران معین، معمولاً یک سال، در یک کشور تولید می شود. در این تعریف منظور از کالاها و خدمات نهایی، کالا و خدماتی است که در انتهای زنجیر تولید قرار گرفته اند و خود آنها برای تولید و خدمات دیگر خریداری نمی شوند (World Bank data,2011).

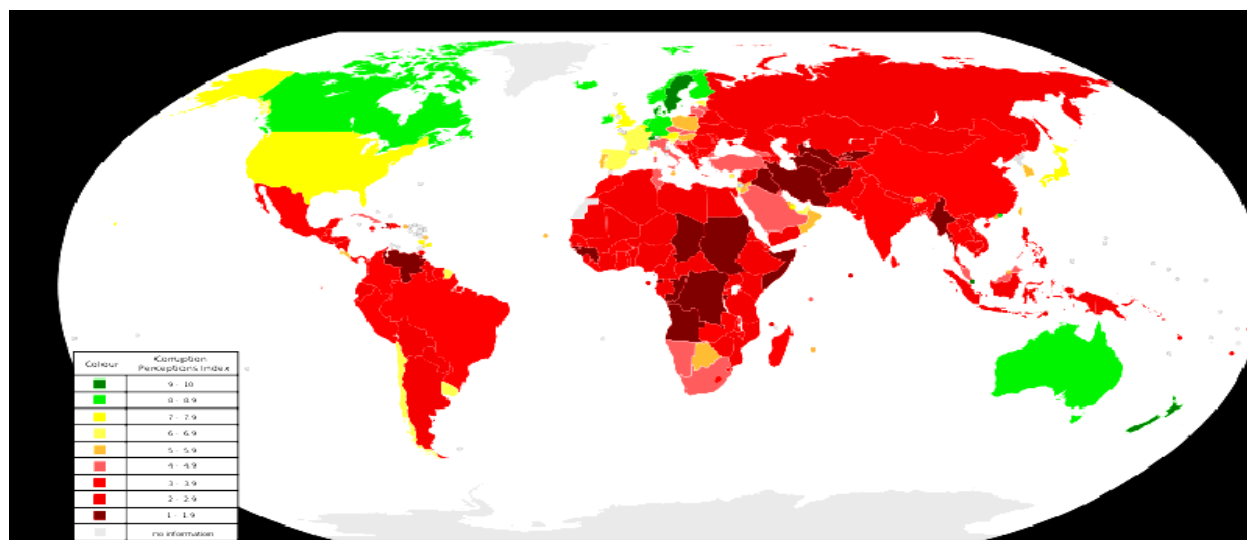
محاسبه با نگرش مصرف به این شکل است:



**مصارف دولتی + (صادرات - + گذاری سرمایه + تولید ناخالص داخلی = مصرف خصوصی واردات)**

### ۷-۵-۱. شاخص احساس فساد:

با استفاده از شاخص درک فساد (یا شاخص احساس فساد) و یا مختصراً (CPI) سازمان شفافیت بین الملل، کشورها را بر حسب میزان فساد موجود در میان مقامات دولتی و سیاستمداران شان، رتبه بندی می کند. بر طبق این مقیاس، برترین کشورها که دارای کمترین فساد مالی در میان دولتمردان خود هستند در این مقیاس دارای نمره ۱۰، و کشورهای با بیشترین فساد مالی در بین این سیستم دولتی خود دارای نمره صفر هستند. این شاخص که هر ساله منتشر می گردد، به وسیله معیارهای تعیین شده سازمان جهانی شفاف سازی (Transparency) و دانشگاه پاساو در آلمان (Universität Passau) محاسبه می گردد. سازمان بین المللی شفاف سازی در ۱۸۰ کشور جهان دفتر داشته و گزارش های سالانه خود را بر پایه معیارهایی از جمله بررسی مدیریت دولتی در کشورها، شرایط دسترسی شهروندان به خدمات عمومی، ساختار حقوقی و قضایی حاکم در کشورها و موقعیت بخش خصوصی تهیه می کنند.



شکل ۳-۱: منبع: [transparency.org](http://transparency.org)

## ۸-۵-۱. شبکه های اجتماعی آنلاین:

آندره کاپلن و مایکل هانلین رسانه‌های اجتماعی را این گونه تعریف می‌کنند:

"گروهی از برنامه‌های کاربردی (applications) متنی بر اینترنت هستند که با اتکا به بنیان‌های تکنولوژیک وب ۲، امکان ایجاد و تبادل محتوای تولیدشده بوسیله کاربران را می‌دهند"

تاکنون تعاریف گوناگونی از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی یا مجازی ارایه شده است. آخرین تعریفی که دقیق‌تر به نظر می‌رسد می‌گوید، شبکه‌های اجتماعی اینترنتی عموماً سرویس‌های مبتنی بر وب هستند. سرویس آنلاین، پلتفرم یا سایتی محسوب می‌شوند که مردم در آنها می‌توانند، نظرات، علاقه‌مندی‌ها و در یک کلام محتوا ایجاد و با دوستان و سایرین به اشتراک بگذارند.

یک شبکه اجتماعی، یک ساختار اجتماعی است که از گره‌هایی (که عموماً فردی یا سازمانی هستند) تشکیل شده است که توسط یک یا چند نوع خاص از وابستگی به هم متصل‌اند. به بیان دیگر، یک شبکه اجتماعی سایت یا مجموعه سایتی است که به کاربرانی که دوست دارند علاقه‌مندی‌ها، افکار، فعالیت‌های خودشان را با دیگران به اشتراک بگذارند و دیگران هم با آنان به اشتراک بگذارند. (magiran.com)

## ۹-۵-۱. دولت های نو پاتریمونیا:

آن دسته از دولت‌های نسبتاً مدرن شده‌ای هستند که در آنها به ظاهر حکومت بروکراتیک مدرن و حزبی وجود دارد، اما در حقیقت فرد قدرتمندی، نه از طریق پیروی از قوانین غیر شخصی، بلکه از طریق یک نظام گسترده حمایت شخصی بر جامعه حکومت می‌کند (گلدستون، ۱۳۷۸، ۱۱۰)

## ۱۰-۵-۱. هرم جمعیت

که هرم سن جنس و نمودار ساختار سنی نیز نامیده می‌شود توصیفی گرافیکی از توزیع رده‌های مختلف سنی از جمعیت انسانی (یک منطقه یا کشور و یا همه جهان) است. این توزیع معمولاً به شکل هرم است.

این هرم معمولاً از دو نمودار میله ای کنار هم قرار گرفته تشکیل شده است. جمعیت روی محور Xها و سن روی محور Yها نشان داده می شود. بنا به قرارداد جمعیت مردها در سمت چپ و زنان در سمت راست هر ستون به نمایش در می آید. (population pyramid, 2011)

## ۶-۱. ادبیات موجود :

در زمینه اتفاقاتی که در مصر در سال ۲۰۱۱ افتاد و منجر به سرنگونی حکومت مبارک شد به زبان فارسی تحقیق گسترده و مدونی که بنا بر تحلیل های اماری و ترجمه دست اول باشد صورت پذیرفته که قابل ذکر باشد. در زمینه تاریخ سیاسی مصر کتابی با عنوان جنبش های ملی مصر به قلم غلامرضا نجاتی به بررسی شرایط سیاسی حاکم بر مصر تا دوره ناصر می پردازد و بیشتر تمرکز کتاب بر دوره ی جمال عبدالناصر می باشد .

از جمله مقالات فارسی که در زمینه حکومت مبارک به نگارش در آمده و دارای جنبه علمی حائز اهمیت میباشد مقاله ای تحت عنوان "جهانی شدن و مناسبات دولت - جامعه در مصر" اثر محمدحسین حافظیان است که به بررسی رابطه ی میان حکومت مبارک و توسعه ی جامعه ی مصر با لحاظ کردن پدیده ی جهانی شدن می پردازد. در مورد علل فروپاشی رژیم مقاله ای قابل بحث وجود ندارد و برای آشنایی بیشتر با این مبحث نیاز به مطالعه مقالات به زبان انگلیسی است که چند نمونه از آنها ذکر می شوند:

۱. مقاله ای تحت عنوان "The Political Economy of the Egyptian Uprising" به قلم استفان ماهر که به بررسی سیاست دوره ی مبارک از منظر اقتصاد سیاسی می پردازد .

۲. مقاله ای تحت عنوان "Recent events in Egypt and the Middle East Background, direct observations and a positive analysis" کارولین ام یوسف که به بررسی وضعیت جامعه انقلابی مصر می پردازد و حاصل کار تحقیقی مستدل را در اختیار پژوهشگران و علاقه مندان قرار می دهد.

۳. مقاله ای تحت عنوان:

Commentary: The impact of social networking tools on political change in Egypt's "Revolution 2.0"

که به بررسی عملکرد شبکه های اجتماعی در زمان جنبش انقلابی مردم می پردازد و با تحلیل داده ها پژوهشگران علاقمند را به دید و منظری تازه تر رهنمون می سازد

## ۷-۱. روش تحقیق:

مبنای کار این پژوهش بر اساس روش تحلیلی-توصیفی است. در ابتدا اوضاع نابسامان جامعه ی مصر در دوران مبارک با استفاده از شاخص های تحلیلی اقتصادی و اجتماعی بررسی شده و در انتها نیز شرایط به وجود آورنده ی حالت تهاجمی مردم مصر نسبت به حکومت بررسی می شود.

## ۸-۱. اهمیت تحقیق:

این تحقیق از لحاظ علمی از این جهت حائز اهمیت است که واکاوی ریشه های جنبش انقلابی مردم مصر و بیان ویژگی های خاص این جنبش ما را به درک عمیق تری از وقایع این کشور مهم خاورمیانه عربی می رساند و امید این میرود که کمکی هر چند ناچیز برای تحقیقات به مراتب قوی تری نسبت به این تحقیق و در این زمینه باشد. متأسفانه ارتباط قطع شده دیپلماتیک ایران و مصر عرصه را برای بررسی دقیق تر آنچه که در جامعه ی مصر می گذشت و می گذرد به روی جامعه ی علمی ایران تنگ کرده است. در شرایطی این تحقیق انجام میشود که حتی برای نامگذاری آنچه در مصر و تونس افتاده است مجامع علمی جهان نیز دچار شک و تردید هستند و اجماعی روی نامگذاری این وقایع ندارند به عنوان مثال جک گلدستون یکی از محققان به نام عرصه ی انقلاب ها از نام (REFOLUTION) استفاده میکند و مدعی این میشود که انقلابی در انقلاب ها رخ داده. هم چنین در مسئله ی مورد تحقیق تحقیق فارسی دقیق و جامعی صورت نگرفته است.

## ۹-۱. روش گرد آوری داده ها:

روش گرد آوری داده ها در تحقیق پیش رو استفاده از منابع کتابخانه ای به صورت محدود به دلیل جدید بودن موضوع و استفاده از مقالات علمی چاپ شده در ژورنال های آنلاین به صورت گسترده می باشد.

## ۱۰-۱. محدودیت های تحقیق:

مهم ترین محدودیت این تحقیق نبود کتاب ها و مقالات به زبان فارسی و هم چنین دسترسی محدود به کتب به زبان انگلیسی و نیز تازه بودن مسئله مورد بررسی که بر سختی کار می افزاید. هم چنین علاقه ای در بنده وجود

داشت بابت استفاده از پرسشنامه و مصاحبه مستقیم که به علت نبود کانال های ارتباطی میان دو کشور عملاً این مورد منتفی شد و به ناچار به تحقیق کتابخانه ای بسنده شد.

### ۱۱-۱. اهداف تحقیق:

مهم ترین و بارز ترین هدف تحقیق برای هر محققى رسیدن به پاسخی قانع کننده برای موضوع مبهمی است که در ذهن محقق ایجاد می شود. قطعاً رسیدن به پاسخی جامع تر و همه جانبه برای اقناع افکار دیگران از طیف های مختلف جامعه نیز از اهداف محقق می باشد که البته این امر در بسیاری از موارد به سختی صورت می پذیرد. اینک که چرا مردمی که سی سال فشار تدریجی و صعودی حکومت مبارک را تحمل می کنند و پس از آن در یک اقدام شجاعانه او را به ورطه ی سقوط می کشانند، می تواند دستمایه ای قانع کننده برای تحقیقی در خور باشد. اینک که مصر یکی از کهن ترین تمدن های خاورمیانه است و در منطقه ای حضور دارد که تحولات آن هم برای قدرت های فرامنطقه ای و هم برای قدرت های منطقه ای دارای اهمیتی فراوان می باشد ضرورت تحقیقاتی از این دست را بیشتر مشخص می کند.

### ۱۲-۱. ساماندهی تحقیق

تحقیق حاضر مشتمل بر پنج فصل می شود:

فصل اول در بر گیرنده کلیات تحقیق با محوریت بیان مسئله و سوال اصلی و فرضیه است که در بالا به آنها اشاره شده است.

در فصل دوم با عنوان چارچوب نظری به تبیین و تشریح موضوع پایان نامه در قالب نظریه فروپاشی رژیم ها و سرمایه روانشناسی و شبکه های اجتماعی پرداخته می شود

در فصل سوم به بررسی ویژگی های جامعه و حکومت مصر از لحاظ اقتصادی و سیاسی و اجتماعی در طول سی سال حکومت مبارک پرداخته شده است و طی این بررسی پرده از فساد گسترده حاکم بر جامعه مصر که از طریق حکومت مبارک در جامعه تزریق شده است، برداشته می شود. بررسی رویکرد خفقان آور و دیکتاتوری پیش رونده ی حکومت مبین شرایط پیش از خروش مردم مصر است.

در فصل چهارم مهم ترین مسائل پیش رو پاسخ به دو سوال است. ۱. آیا شبکه های اجتماعی آنلاین حاکم و رهبر جنبش مردم مصر بودند و یا نه، بیشتر به عنوان ابزاری ارتباطی اصالت عمل داشته اند؟ ۲. و اینکه مردم حاضر در این جنبش در مصر چگونه به این توانایی دست پیدا کردند که ترس چندین ساله از حکومت را به کناری بگذارند و سکوت خود را بر علیه ستم های حکومت بشکنند و بدون وا همه از مرگ و شکنجه، رژیم تا بن دندان مسلح را از پای در بیاورند.

فصل پنجم به نتیجه گیری از بحث های صورت گرفته در فصول قبل مربوط می شود

فصل دوم

# مبانی نظری

## ۱-۲. نظریه فروپاشی رژیم:

جک گلدستون<sup>۱</sup>، جامعه‌شناس تاریخی، پژوهشگری است که آثار فراوانی را در حوزه انقلاب‌ها در دهه اخیر و پیش از آن به رشته تحریر درآورده است. این امر مشخص است که گلدستون در تحلیل خویش در دو مقاله ای که برای تبیین موضوع دیکتاتوری‌های مدرن به کار بسته است و در این تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرد به ایده «فروپاشی دولت» نسبت به مفهوم پیچیده‌تر انقلاب رجحان می‌دهد. البته این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که انقلاب‌ها و شورش‌ها در مقالات به عنوان نمونه‌های فروپاشی دولت مورد بررسی قرار گرفته‌اند. او با استفاده از مفهوم فروپاشی دولت، به دنبال بررسی یک انقلاب کامل نیست بلکه ترکیب خاصی از رویدادها را در نظر دارد که باعث سرنگونی حکومت‌های دیکتاتوری میشود.

گلدستون با تبیین اینکه چرا امواج فروپاشی دولت دیر یا زود رژیم‌های سلطانی را در هم می‌کوبد و با روشن نمودن اینکه چرا این نوع حکومت‌ها برعکس چیزی که نشان می‌دهند به شدت بی‌پایه و ضعیف هستند، کار نظری خویش را طرح‌ریزی می‌کند.

تعریف وی از دولت اینگونه مطرح می‌شود: با توجه به مفهوم «دولت»، منظور نهادهای ملی متمرکز مربوط به قانون‌گذاری و دارای قدرت اجرای قوانین از طریق افرادی که نهادهای مذکور را به هنگام فعالیت در مناصب رسمی‌شان در اختیار دارند می‌باشد (Goldston, 2011).

---

1 Goldstone Jack



«فروپاشی» عبارت است از: به طور کلی، فروپاشی دولت به جای آنکه به فروپاشی تمامی نهادهای سیاسی برگردد

مربوط به اضمحلال توانایی اقتدار مرکزی در تسلط و غلبه بر سایر بازیگران قدرتمند سیاسی می‌شود.

جک گلدستون یکی از تحلیلگران و نظریه پردازان حوزه انقلاب است که نظریاتش دارای همخوانی بیشتری با شرایط و ویژگی های موجود در جامعه انقلابی مصر است.

او معتقد است برای اینکه یک دولت سرنگون شود، می‌بایست شماری از مولفه‌ها در کنار یکدیگر وجود داشته باشند که عبارتند از: دولت باید در نظر مردم به طور قطع غیرعادلانه و بی‌کفایت به نظر برسد، به نحوی که تهدیدی برای آینده کشور تلقی شود؛ نخبگان (به ویژه نخبگان نظامی) می‌بایست نسبت به دولت بیگانه گشته و تمایل چندانی برای حمایت از آن نداشته باشند؛ بخش عمده‌ای از مردم (شامل گروه‌های قومی و مذهبی و طبقات اجتماعی) باید بسیج شوند؛ و قدرت‌های خارجی نیز می‌بایست از هرگونه اقدامی در جهت کمک به دولت خودداری نمایند یا آن را در استفاده بیش از حد از ابزار قهرآمیز تحت فشار قرار دهند. (Goldeston, 2011).

با توجه به لزوم وجود این مولفه‌ها، جنبش‌های انقلابی به ندرت به موفقیت نایل می‌آیند؛ چراکه شرایط فوق به ندرت به طور همزمان تحقق می‌یابد این مساله به ویژه در پادشاهی‌های سنتی و دولت‌های تک‌حزبی صادق است؛ زیرا مولفه‌های فوق در این نوع حکومت‌ها وجود ندارد؛ نخست اینکه، رهبران این کشورها اغلب از طریق متوسل شدن به [اندیشه] لزوم احترام به سنت پادشاهی یا ملی‌گرایی سعی در جلب و حفظ حمایت مردمی دارند؛ دوم اینکه، نخبگانی که معمولاً از قبل چنین دولت‌هایی ممتول گشته‌اند، تنها زمانی دست از حمایت این دولت‌ها بر می‌دارند که شرایط عینی یا ایدئولوژی رهبران آنها به طور چشمگیری متحول شود؛ سوم اینکه، در بسیاری از نمونه‌ها بسیج گسترده مردم با دشواری همراه است؛ زیرا این کار نیازمند پیوند میان منافع ناهمگون و متفاوت اقشار فرودست شهری و روستایی، طبقه متوسط، دانشجویان، متخصصین و گروه‌های قومی یا مذهبی می‌باشند. تاریخ سرشار است

از جنبش های دانشجویی، اعتصابات کارگری و شورش های دهقانی که به آسانی سرکوب و خنثی شده اند؛ چرا که این حرکت ها به جای آنکه به ائتلاف های گسترده بیانجامد در حد طغیان گروهی خاص باقی می ماندند.

(Ibid)

هنوز هم گونه ای از دیکتاتوری ها به چشم می خورند که از درجه آسیب پذیری بالاتری نسبت به همتایان خویش برخوردارند و به ندرت بیش از یک نسل تداوم می یابند. این رژیم ها همان دیکتاتوری های سلطانی هستند، چنین دولت هایی هنگامی به وجود می آیند که رهبری ملی قدرت و اختیارات خویش را در نهادهای رسمی بسط داده و تقویت نماید. دیکتاتوری های سلطانی هوادار هیچ گونه ایدئولوژی نبوده و تنها خواستار حفظ اقتدار شخصی خودشان هستند. آنان ممکن است برخی وجوه رسمی و قانونی دموکراسی مانند: انتخابات، احزاب سیاسی، مجلس ملی یا قانون اساسی را حفظ کنند، اما با پیاده سازی حکومتی از بالا به پایین و گماشتن حامیان و طرفداران خویش در پست ها و مناصب کلیدی این وجوه را خنثی می سازند یا گاه با اعلام شرایط بحرانی به دلیل پیدایش احساس خطر از دشمنان خارجی (یا داخلی) اقدامات خود را توجیه می کنند. در پشت صحنه سیاست این گونه از رژیم ها، دیکتاتورهای هستند که با تکیه بر پشتوانه ثروت عظیمی که در دست دارند، به خرید وفاداری حامیان و تنبیه مخالفانشان مبادرت می ورزند. از آنجا که آنان نیاز به منابعی برای تامین سوخت ماشین پشتیبانی خودشان دارند، معمولاً توسعه اقتصادی را از رهگذر صنعتی شدن، صادرات کالا و آموزش بهبود می بخشند. این حکام همچنین درصدد ایجاد ارتباط با کشورهای دیگر هستند تا از طریق مبادله اقتصادی و دریافت کمک و سرمایه گذاری، بقا و ثبات خویش را تضمین نمایند. به هر حال، بیشتر ثروت و درآمدی که به کشور وارد می شود به جیب سلطان و اطرافیان نزدیک وی می رود. (Ibid,2)

سلاطین جدید، نخبگان نظامی کشورهای خویش را با ایجاد تفرقه و جدایی میان آنها کنترل می نمایند. معمولاً نیروهای امنیتی در گروه های مختلفی مثل: ارتش، نیروی هوایی، پلیس و اطلاعات از هم تفکیک می شوند و هر

یک بی واسطه گزارش های مجزایی به رهبر می دهند. رهبر ارتباط و تماس میان این گروه ها، نظامیان و مردم و دولت های خارجی را به انحصار خویش در می آورد. سلاطین معمولاً با تقویت این تفکر که بدون وجود آنان کمک خارجی و وحدت سیاسی از بین خواهد رفت، حکومت خویش را توجیه کرده و از انتخاب جانشینان احتمالی برای خویش خودداری به عمل می آورند. این حاکمان از طریق نظارت شدید بر انتخابات و پرداخت کمک هزینه هایی برای خرید کالاهای اصلی نظیر، انرژی، سوخت و مواد غذایی سعی دارند تا توده های مردم را غیرسیاسی کرده و از سازمان یافتگی آنان ممانعت به عمل آورند. این تلاش ها هنگامی که با نظارت اجتماعی، کنترل رسانه ای و خبری و ایجاد ارباب تلفیق گردد، سبب می شود دیکتاتورها از جدا ماندن و منفعل بودن شهروندان اطمینان حاصل نمایند. این الگو به لحاظ سیاسی با حکومت سلاطین سراسر جهان که ثروت بسیار انبوهی را انباشته کرده و قدرت را در انحصار خویش نگه داشته اند، سازگاری دارد. مشهورترین این حکومت ها در دوره معاصر عبارتند از: حکومت پروفیرئو دیاز<sup>1</sup> در مکزیک، رضا شاه در ایران، دودمان سوموزا<sup>2</sup> در نیکاراگوئه، دودمان دوآلیر<sup>3</sup> در هائیتی، فردیناند مارکوس در فیلیپین و سوهارتو<sup>4</sup> در اندونزی، اما نکته ای که هم سلاطین پیشین آموختند و هم نسل نوین سلاطین در خاورمیانه (عمر البشیر در سودان، زین بن علی در تونس، حسنی مبارک در مصر، معمر القذافی در لیبی، علی عبدالله صالح در یمن و بشار اسد در سوریه) بدان پی برده اند، این است که تمرکز بیش از حد قدرت می تواند حفظ آن را دشوار سازد. (Ibid,2)

به رغم تلاش های فراوانی که دیکتاتورهای سلطانی برای بقا و تثبیت حکومت خویش انجام می دهند، به دلیل ماهیت این رژیم ها آسیب پذیری آنها در طول زمان افزایش می یابد که مهمترین آنها به شرح زیر است:

---

<sup>1</sup>. Porfirio Diaz

<sup>2</sup>. Somoza

<sup>3</sup>. Duvalier

<sup>4</sup>. Thojib N. J. Suharto

اولین مورد مربوط به روابط سلطان و نخبگان می شود. سلاطین می بایست موازنه هوشمندانه و دقیقی بین میزان منابع و امتیازات خودشان و امتیازات مربوط به نخبگان به وجود آورند که این موازنه می تواند حالت های مختلفی داشته باشد: اگر حاکم امتیازات را تنها به خود منحصر سازد و از اعطای آن به نخبگان دریغ ورزد، انگیزه ای نیرومند در نخبگان زنده می شود که دست از حمایت رژیم بردارند. اما چنانچه سلاطین احساس کنند به وضعیت پایدارتری دست یافته اند و قدرتشان تثبیت شده است، فسادشان گسترده تر شده و امتیازات میان حلقه کوچکی از اطرافیانشان متمرکز می شود. همچنین اگر سلطان کمک و سرمایه گذاری خارجی را به انحصار خود درآورد یا روابط بسیار نزدیکی با دولت های خارجی غیرمحبوب برقرار سازد، ممکن است موجب بیگانگی نخبگان و مردم نسبت به حکومت شود. (Ibid,2)

مورد دوم مربوط به مسایل جمعیت شناختی می باشد با عنایت به رشد اقتصادی و گسترش و ارتقای سطح آموزش در دیکتاتوری های سلطانی شمار افرادی که مطالبات بیشتری دارند رو به فزونی می نهد و حساسیت بیشتری نسبت به نظارت ها و دخالت های پلیسی و سوء استفاده های آنان پیدا می کنند. در صورتی که جمعیت به سرعت رشد نماید و درآمدهای اقتصادی توسط نخبگان به یغما برده شود، موجی از نابرابری و بیکاری به راه می افتد. افزون بر این، چنانچه یارانه های پرداختی و دیگر برنامه های رژیم برای ساکت نگه داشتن مردم افزایش یابد، هزینه غیرسیاسی نگه داشتن مردم فشار مضاعفی را به رژیم وارد می سازد. اگر اعتراضات کلید بخورد، سلاطین ممکن است اصلاحات را در پیش بگیرند یا امتیازات حمایتی را افزایش دهند. برای مثال، در فیلیپین به سال ۱۹۸۴ مارکوس همین شیوه را اجرا کرد تا از طریق آن خشم عمومی فزاینده ای که در میان مردم رو به گسترش بود روندی نزولی پیدا کند. آنچه که مارکوس در سال ۱۹۸۶ تجربه کرد، این بود که هنگامی که مردم بانگ پایان حکومت سلطان را برآوردند این باج سبیل ها عموماً بی ثمر خواهد بود. این امر در مورد رژیم های سلطانی نیز صادق است.